

تمامی جهان درون یک قایق

به نقل از هفته‌نامه سایت آلمان ۸/۴/۱۹۹۴

ترجمه: مژده.م. بنائی

رئیس سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی در پاریس می‌گوید برای نخستین بار در تاریخ، تمامی کشورهای دنیا در قایقی بنام اقتصاد بازار در کنار هم نشسته‌اند. همه ما باید خود را با این تغییر هماهنگ کنیم. باید صنایع خود را در این راستا بازسازی کرده و به دنبال وضع کردن قوانین جدید برای اقتصاد جهانی باشیم.

هدف اصلی از طرح قوانین جدید چیزی به غیر از بنیان‌گذاری هسته اصلی سیاست جهانی واحد در مورد مقررات محیط زیست، قوانین تأمین اجتماعی و رقابت اقتصادی نمی‌باشد و از آنجا که هیچکس بطور دقیق نمی‌داند برای شش میلیارد انسان با فرهنگهای متفاوت چگونه قوانینی لازم است، پیدایش اختلافات امری واضح و بدیهی می‌باشد. گروهی می‌خواهند با تهدید و در صورت لزوم تحریم اقتصادی، کشورهای فقیر را وادار سازند که استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی خود را هر چه سریعتر به سطح کشورهای صنعتی برسانند تا شرایط یک رقابت آزاد عادلانه امکان‌پذیر گردد. این گروه شامل بسیاری از کشورهای صنعتی بعلاوه گروهی از سندیکاها و حامیان محیط زیست می‌باشد. سردمدار اصلی این جنبه در حال حاضر دولت آمریکا است اما حامیانی نیز در فرانسه و ایتالیا برای آن وجود دارد. از طرف دیگر کشورهایی که در راستای صنعتی شدن گام برمی‌دارند چنین دیدگاههای مغرضانه را شیوه‌های نوینی می‌دانند که در پوشش هدفهای بظاهر مثبت در خدمت استمرار تسلط اقتصادی غرب می‌باشند. امتیاز بزرگ کشورهای فقیر در رقابت آزاد جهانی بواسطه داشتن نیروی کار ارزان می‌باشد و این کشورها به هیچ وجه حاضر نیستند که این امتیاز از طرف کشورهای غنی از آنان گرفته شود. در این رابطه کشورهای فقیر و در حال توسعه از حمایت طرفداران سنتی بازار آزاد برخوردار می‌باشند زیرا آنها خواستار کاهش مقررات وضع شده حاکم بر بازار جهانی هستند. به اعتقاد این گروه، افزایش تولید و سود، منجر به بالارفتن سطح زندگی و قوانین زیست محیطی در مشرق و جنوب خواهد شد. نوبرت والتر رئیس اقتصادی بانک آلمان می‌گوید خطر آن وجود دارد

شمالی و زاہن مسئله ابعاد تازه‌ای یافته است. جاکواس کالوت رئیس کارخانه سیتروئن و پژو می‌گوید رقابت کنترل نشده با کشورهای در حال توسعه آسیای جنوب شرقی، بیش از گذشته باعث افزایش بیکاری و پایین آمدن سطح زندگی در اروپا خواهد شد.

ماریک الایس برنده جایزه نوبل از فرانسه شاکبانه می‌گوید: نمی‌توان اجازه داد شکوفائی اقتصادی در جهان سوم بر ویرانه‌های کشورهای پشرفته و بر افزایش فزاینده بیکاری که زاینده یک انفجار اجتماعی در غرب است بنا گردد. حتی در آلمان که در تجارت جهانی در چند دهه اخیر جایگاه مستحکمی داشته است، نگرانی‌ها روز به روز افزایش می‌یابند. در مذاکرات اخیر سندیکای قدرتمند فلزات با کارفرمایان بر سر دستمزدها، رهبران سندیکا بخوبی دریافته‌اند که بدلیل سطح پایین دستمزدها در لهستان و چک تا چه اندازه در طرح خواستهای خود برای افزایش دستمزدها در محدودیت قرار دارند. ولف دبیر ناره، پروفیسور علوم سیاسی در برلین، معتقد است در نتیجه ایجاد یک بازار جهانی واحد، مبارزه برای بقا در دنیا و به همین ترتیب در اروپا سخت‌تر خواهد شد و سیاست به اصطلاح درهای باز در نهایت نه برای کارگران بلکه برای قدرتمندان یعنی کارفرمایان مفید خواهد بود. سندیکای ناساجان در مقاله‌ای می‌نویسد: بواسطه تفاوت در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بین کشورهای ثروتمند و فقیر این کارگران تمامی کشورها هستند که در نهایت بازنده اصلی خواهند بود. در پشت همه این نگرانی‌ها یک مسئله بنیادی قرار دارد. قوانین اجتماعی، کار، محیط زیست و تمام مقرراتی که از سرمایه‌داری یک اقتصاد متمدن به همراه تأمین اجتماعی می‌سازند، تنها در داخل این کشورها اعتبار دارند. هر چه بیشتر اقتصاد جهانی می‌شود، از همخوانی و تجانس بازارها و ارگانهایی که آنرا سازماندهی می‌کنند، کاسته می‌شود و این در حالیست که رقابتها هر لحظه ابعاد بیشتری بخود می‌گیرند و به موازات آن دولتهای حاکم روز به روز توانائی‌های خود را در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی برای شهروندان خود از دست می‌دهند. جینکلادبی

سالهای متمادی دولتهای ثروتمند غرب محاسن بی‌شمار نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد را به کشورهای غیرسرمایه‌داری توصیه می‌کردند. چنین به نظر می‌رسد که توصیه‌ها در مواردی کارساز بوده‌اند ولی پذیرش این راهنمایی‌ها از طرف کشورهای مذکور تهدیدهای جدی برای غرب به همراه داشته است اما این بار تهدید نه بخاطر راکتهای دوربرد شوروی است، بلکه از جانب پراهن‌های تولید چین، محصولات فلزی اسلواکی، آلومینیم روسی، اتومبیلهای کره‌ای و برنامه‌های کامپیوتری تهیه شده در هند می‌باشد.

هفت سال تمام مذاکرات دول شمال و جنوب در چهارچوب گات در مورد برداشتن عوارض گمرکی از محصولات کشاورزی، منسوجات، خدمات و همچنین حمایت از حق تألیفات و آثار فکری به طول انجامیده است. هفته آینده در مراکش وزرای اقتصاد ۱۱۸ کشور عضو گرد هم می‌آیند تا موافقت‌نامه ۱۹۰۰۰ صفحه‌ای را که بر اساس مذاکرات دور قبلی در اورگوئه تهیه شده است امضاء کنند و برنامه کار برای بنیان‌گذاری سازمان تجارت جهانی را مشخص سازند. در این حال ایالات متحده قصد دارد طرحی در حمایت از کارگران خود در جهت خنثی‌سازی پیامدهای منفی ناشی از رقابت بازار آزاد برای سیستم اقتصادی این کشور در دستور کار قرار دهد. آمریکا خواستار آن است که کنفرانس، سیستمی در جهت هماهنگ کردن استانداردهای کار در جهان ایجاد کند.

دیگر آن زمان که کشورهای صنعتی درخواستهای کشورهای جهان سوم را برای کنترل اقتصاد نوین جهانی رد می‌کردند سپری شده است، در حال حاضر آنها ترس از این دارند که جهان سوم به همراهی کالاها، استانداردها و شرایط زندگی خود را به غرب صادر کنند. امروز پایین بودن استانداردهای اجتماعی و محیط زیست در جهان سوم، ماهیگیران برتونی و رؤسای صنایع فلزی آلمان، سندیکای کارگران منسوجات و کارفرمایان آنها، سیاستمداران راستگرا و پروفیسورهای چپ را در کشورهای غرب در کنار هم قرار می‌دهد. نگرانی‌ها تازه نیستند اما بواسطه بحران ساختاری و وجود ۳۶ میلیون بیکار در اروپای غربی، آمریکای

که در مبارزه علیه بی‌توجهی به محیط زیست و پائین بودن استانداردهای اجتماعی حامیان محیط زیست و سوسیالیست‌ها با منافع سرمایه‌داران همسو شوند. مشابه این نظر را دولت انگلستان و وزارت اقتصاد آلمان دارند، به طوری که اختلاف جدیدی در مورد تجارت بین پاریس و بن ایجاد شده است. هنوز این احتمال وجود دارد که بدلیل اختلاف در مورد استانداردهای اجتماعی، توافقات بدست آمده در اوگوته در کنگره آمریکا مورد تصویب قرار نگیرد. ریچارد گپ هارد رئیس جناح دمکرات که در کنگره آمریکا اکثریت را دارد می‌گوید ایالات متحده باید یک تنه به تحریم اقتصادی کشورهای بی‌پروا که از کارگران و محیط زیست خود سوءاستفاده می‌کنند.

امتیاز بزرگ کشورهای فقیر در رقابت آزاد جهانی به واسطه داشتن نیروی کار ارزان می‌باشد و این کشورها به هیچوجه حاضر نیستند که این امتیاز از طرف کشورهای غنی از آنان گرفته شود.

ترس کارگران کشورهای صنعتی در از دست دادن کار خود بی‌دلیل نیست. فشار بر دولت‌ها در جهت برپایی مناطق حمایت شده روز به روز افزایش می‌یابد. ۳۰ درصد صاحبان صنایع آلمان غربی قصد دارند، در سه سال آینده حداقل قسمتی از محصولات خود را در خارج از این کشور تولید کنند این رقم در ایالت بادن - وورتمبرگ به ۴۰ درصد می‌رسد. اگر این برنامه‌ها به تحقق بپیوندند، ۲۵۰/۰۰۰ موقعیت شغلی به آنسوی مرزهای آلمان منتقل می‌شوند و کسی نمی‌تواند تعداد کارگرانی را که از این طریق بطور مستقیم یا غیرمستقیم در داخل کشور بیکار می‌شوند به دقت برآورد کند. شعبه الکترونیک فیلیپس، تولید تیونر و تلویزیونهای رنگی خود را چندی است به لهستان و قسمتی از تولید ویدئوهای خود را به مجارستان انتقال داده است. شرکت آ. ب. پ. توربین‌های خود را در لهستان می‌سازد. شرکت میکروسفت، حولت پاکارد، بول، الیوتی، موتورال و دیگر شرکتها، برنامه‌های کامپیوتری مورد نیاز خود را در هندوستان سفارش می‌دهند زیرا دستمزد برنامه‌نویسان کامپیوتر در هند یک دهم همکاران آنها در آلمان می‌باشد.

کارفرمایان در آلمان می‌بایستی بطور متوسط برای هر کارگر ماهر ماهانه ۶۵۰۰ مارک بپردازند در حالیکه در کشور چک این مبلغ فقط ۴۵۰ مارک می‌باشد، تفاوت بازدهی تولید میان کارگران آلمانی با کارگران کشورهای نامبرده به هیچوجه به اندازه اختلاف هزینه‌ای که کارگران آلمانی با همکاران خود در این کشورها، برای شرکتها دارند، نمی‌باشد.

هزینه کار مفید کارگر چک در نهایت یک ششم معادل آن در آلمان است. دستمزد کارگران زن در مراکز تولید لباس در ترکیه به طور متوسط ساعتی ۲/۴۵ مارک می‌باشد. همکاران مراکشی آنها ۱/۴۰ مارک دریافت می‌کنند و در جمهوری استونی این مبلغ به ۶ دهم مارک می‌رسد. حتی پائین بودن سطح کار مفید تولیدی و بالا بودن قیمت حمل و نقل - آن هم در بعضی موارد - مانع از آن نمی‌شود که تولیدکنندگان قادر به عرضه ارزان‌تر کالاهایشان در مقایسه با رقبای آلمانی خود نباشند، زیرا کارفرمایان آلمانی برای هر ساعت کار ۱۵/۶۰ مارک می‌پردازند، مبلغی که در آلمان غربی نسبتاً ناچیز است.

کلاس شتایلمن رئیس اتحادیه کارفرمایان نساجی اروپا که خود یک کارفرما است، ترس از آن دارد که صنایع نساجی اروپا تا پایان قرن، سالانه ۳۰۰/۰۰۰ موقعیت شغلی را از دست بدهند. سندیکای کارگران نساجی ترس از افزایش فشار و ایجاد محدودیت بیشتر برای کارگران را دارد یعنی از بسین رفتن تأمین اجتماعی، پایین آمدن دستمزدهای واقعی و بوجود آمدن شرایط کار بدتر.

مسئله احترام به حقوق بشر را نیز باید به مسائل فوق افزود. در چین کمونیست که سالهای اخیر گرایشهایی به سمت سرمایه‌داری از خود نشان می‌دهد، کارگران مجبور به انجام کارهای طاقت‌فرسا برای افزایش صادرات می‌شوند. در نوامبر گذشته ۸۱ کارگر زن در یک کارخانه تولید اسباب‌بازی در اثر آتش‌سوزی جان خود را از دست دادند. تعداد قربانیان از آن جهت زیاد بود، که برای نگره داشتن کارگران بر سر کارهای خود اغلب درها و پنجره‌ها قفل بودند. در پاکستان کودکان قالی می‌بافند. در اغلب کشورهای در حال توسعه اصولاً سندیکای مستقل وجود ندارد. ایمنی در محل کار موضوعی ناشناخته است. با این احوال آیا ما اجازه داریم و می‌توانیم به محصولات ساخته شده توسط برده‌گان و کودکان اجازه ورود به کشور را بدهیم؟

سؤالات مشابهی نیز در رابطه با محیط زیست وجود دارد. رنگهای مورد استفاده در صنایع نساجی برای محیط زیست بسیار خطرناک هستند، از اینرو صنایع نساجی در فرانسه نزدیک به ۱۰ درصد فروش خود را در جهت حمایت از محیط زیست صرف می‌کنند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه این مبلغ را صرفه‌جویی می‌کنند، اما عوارض آن بر محیط زیست بسیار مخرب است. ۴۰ درصد مواد رنگی را در فاضلابها می‌ریزند، این مواد شامل فلزات سنگین مانند کادمیوم، کرم، روی و مس می‌باشند، فلزات فوق همراه با گِل و لای در تصفیه‌خانه‌ها جمع می‌گردند و در نهایت بصورت کود مورد مصرف قرار می‌گیرند و از این طریق وارد محصولات غذایی مورد استفاده انسان می‌شوند. تولیدکنندگان لباس در اروپا می‌گویند به دلیل همین

بی‌توجهی به محیط زیست پیراهن‌های هندی در فروشگاههای آلمان به قیمت ۲۹/۹۰ مارک عرضه می‌شوند. در صورتی که کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی با فشار بر طرفهای خود در جهان سوم باعث بالا رفتن سطح استانداردهای اجتماعی و محیط زیست در این کشورها شده و در نتیجه رقیب جدید را از صحنه بیرون می‌کنند، آیا آنگاه چنین مسائلی حل خواهند شد؟

گروهی می‌خواهند با تهدید و در صورت لزوم تحریم اقتصادی، کشورهای فقیر را وادار سازند که استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی خود را هر چه سریعتر به سطح کشورهای صنعتی برسانند تا شرایط یک رقابت آزاد عادلانه امکان پذیر گردد.

بسیاری از واقعیتها خلاف این ادعا را ثابت می‌کنند.

اولاً بر اساس برآوردها، تجارت آزاد جهانی تا به امروز حتی در کشورهای ثروتمند بیش از آنکه به کاهش اشتغال منجر شده باشد، اشتغال ایجاد کرده است. از گزارشهای سازمان و همکاریهای اقتصادی چنین برمی‌آید که در فاصله سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۶ در آلمان بواسطه واردات کالاهای ارزان قیمت صنعتی سالانه ۰/۴۱ درصد اشتغال از بین رفته است، و این در حالیست که بدلیل صادرات بیشتر ۰/۸۱ درصد اشتغال ایجاد شده است؛ در تکنولوژی پیشرفته این تفاوت به مراتب آشکارتر بوده و درصد اشتغال ایجاد شده بالاتر می‌باشد.

در واقع چیزی خلاف این را ثابت نمی‌کند که در آینده این روند ادامه نیابد. بیان کار تمام کشورهای آسیای دور و همچنین لهستان و چک هنوز منفی است. آنها هنوز بیش از آن که کالاهای صنعتی به کشورهای دیگر بفروشند، خریداری می‌کنند. امید تولیدکنندگان اروپای غربی و آمریکای شمالی در گسترش بازارهای فروش خود در کشورهای در حال توسعه کاملاً منطقی است. حتی تولیدکنندگان لباس در اروپای غربی که از طرف تولیدکنندگان ارزان قیمت مورد تهدید هستند، بر این باورند که قادر می‌باشند در آینده محصولات خود را به طبقه متوسطی که در کشورهای شرق و جنوب در حال تکوین است بفروشند. درآمد متوسطی که شمالی بیست سال پیش یک هیجدهم آمریکائیان بود اما سطح درآمد آنها امروز با سطح درآمد در پرتغال برابری می‌کند. ثانیاً آیا اصولاً کشورهای عضو گات می‌توانند به دلیل نقض حقوق بشر به تحریم اقتصادی متوسل شوند؟ البته اگر فرض کنیم که اصولاً این

کشورها آنقدر که در حرف می‌گویند، در عمل نیز واقعاً مدافع حقوق بشر باشند در حالی که می‌دانیم هیچ کدام از توافقنامه‌های گات خواستار اقدامی بر علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی نبوده است.

در نتیجه ایجاد یک بازار جهانی واحد، مبارزه برای بقا در دنیا و به همین ترتیب در اروپا سخت‌تر خواهد شد و سیاست به اصطلاح درهای باز در نهایت نه برای کارگران بلکه برای قدرتمندان یعنی کارفرمایان مفید خواهد بود.

ثالثاً به احتمال زیاد تأثیر تجارت آزاد جهانی بر محیط زیست مثبت می‌باشد و یا آن که حداقل به صورت یکجانبه منفی نیست با این که یکی از کارکردهای تجارت آزاد جهانی اعمال فشار مؤثر بر دستمزدها است، اما این جنبه مثبت رانیز دارد که زمینه‌های لازم را برای کاهش اتلاف انرژی و به هدر رفتن منابع طبیعی ایجاد می‌کند. به عقیده بورگن ویمن گزارشگر انستیتوی سیاستهای توسعه آلمان، مشکلات جهانی زیست محیطی با اتلاف انرژی و منابع اولیه در کشورهای شمالی ارتباط مستقیم دارد و تا زمانی که این مسئله تغییر نکند تحریم‌ها و محدودیتها تجاری در بهترین حالت می‌توانند صرفاً موجب انتقال مشکلات و در بدترین حالت باعث عمق یافتن هر چه بیشتر مشکلات گردند. در واقع برای بهبود وضعیت محیط زیست بهتر است محصولات کشاورزی در مناطقی با آب و هوای مناسب به عمل آیند و به مناطق دیگر صادر شوند تا این که در مناطق نامناسب با صرف انرژی زیاد به کمک کودهای شیمیایی بطور مصنوعی بار آورده شوند. بالاخره آن که بدون صادرات شانس برای از بین بردن مشکل فقر در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد و فقر یکی از دلایل اساسی انهدام محیط زیست در جهان سوم می‌باشد. آیا با وجود مسائل ذکر شده امکان آن وجود دارد که ناهمگونی‌های فزاینده در شرایط کار و محیط زیست را به توسط سیاستهای تجاری از بین برد؟ حداقل در مورد مسئله استانداردهای محیط زیست مباحثات در بین متخصصین تا حدودی پیشرفت کرده است. اعضای گات با هم به این توافق رسیده‌اند که در سازماندهی جدید سازمان تجارت جهان هیئتی دائمی برای محیط زیست برپا کنند که از جمله وظایف اساسی آن کنترل تأثیر توافقیهای جهانی محیط زیست بر روی تجارت، حل و فصل مشکل بسته‌بندی و زباله‌های ناشی از آن، روشن ساختن هر چه بیشتر مقررات زیست محیطی، جمع‌بندی و بازبینی نتایج حاصل از کنفرانس جهانی ریبو دو

ژانیهو می‌باشد.

در حال حاضر نیز با توجه به قوانین مصوبه گات هر دولتی اجازه دارد واردات مواد مضر برای سلامتی و محیط زیست را ممنوع کند، به شرط آن که برای کنترل آن معیارهای علمی قابل اندازه‌گیری وجود داشته باشد، حداقل به طور تئوریک این امکان وجود دارد کشورهایی را که نه فقط محیط زیست خود بلکه کشورهای همجوار و یا احیاناً تمامی کره زمین را آلوده می‌سازند مشخص ساخت، چرا که تحریم اقتصادی کشورهایی که توافقیهای جهانی محیط زیست را زیر پا می‌گذارند برای مثال توافق در جهت محدودیت تولید «اف سه کاو» (ماده مورد مصرف در اسپری‌ها که عامل اصلی از بین بردن حفاظ جو زمین می‌باشد) با روح توافقات گات هماهنگی دارد. اما هر چه بیشتر مسائل محیط زیست به محدوده داخلی کشورها مربوط می‌شود و اهمیت و تعیین‌کنندگی بیشتری در تولیدات آنها دارد، توافق و مذاکره در مورد آنها مشکل‌تر می‌شود. آیا کشورهای عضو می‌توانند برای مقابله با کشورهایی که به استثناء باردها توجهی ندارند به توافق برسند، یعنی برای مثال بر سوخت دیزل در حمل و نقل دریایی و سوخت هواپیما مالیات بسته و از این طریق هزینه مقابله با آلودگی‌های محیط زیست تا اندازه‌ای تأمین شود؟ آیا نمی‌توان ملتها را نه فقط به مصرف تولیدات غیرمضر به محیط زیست بلکه به شیوه‌های تولیدی که به محیط زیست کمک می‌کنند وادار ساخت؟ به نظر می‌رسد این امر دشوار باشد. برای مثال هنگامی که ایالات متحده می‌خواست ورود ژن ماهی از مکزیک را بدلیل آنکه برای صید آنها از تورهایی استفاده می‌شد که برای دلفین‌ها نیز مرگ‌آور بود ممنوع ساخت، در یک دادگاه گات محکوم شد؛ دادگاه این ممنوعیت را حرکتی در جهت اعمال تسلط طلبی آمریکا تفسیر کرد.

با توجه به وضعیت مؤسسه مرکزی حمایت از محیط زیست اروپا که نماینده گروه‌های مختلف حامی محیط زیست می‌باشد در اعلامیه‌ای درخواست یک رفرم سبز در گات کرده است و در مرحله نخست خواستار تحریم تجاری علیه سیستم‌های تولیدی شده که برای محیط زیست مضر هستند. اما هنوز برای این سؤال که چگونه این رفرم می‌توند بدون رضایت همه به اجرا درآید پاسخی پیدا نشده است. روش عملی دیگری را یکی از متفکرین حزب سوسیال دمکرات آلمان کلاس نوه ارائه می‌دهد، او معتقد است در صورت ادامه بی‌توجهی به محیط زیست دولت می‌بایستی مالیات بر کالاهای وارداتی را افزوده و عواید حاصل از آن را به کشورهایی بپردازد که تحت کنترل شدید سازمانهای بین‌المللی به تولید کالاهای غیرمضر به محیط زیست مبادرت می‌کنند. در حالی که با گذشت زمان در مورد مسئله

محیط زیست چهارچوبهای اولیه یک توافق بین‌المللی مشخص‌تر می‌شوند، سیاستهای تجاری بازرگانی در مورد استانداردهای اجتماعی همچنان در محدوده‌ای غیرمتجانس سیر می‌کنند. سندیکای بین‌المللی فلزات خواستار یک چهارچوب و چارت اجتماعی بین‌المللی است. یازده درخواست ذکر شده در بیانیه آنها برای یکسان شدن حقوق کارگران در تمام کشورها مشکل به اجرا درآوردن یک استاندارد اجتماعی سراسری برای همه کارگران را به خوبی روشن می‌سازد. حق اعتصاب، حق عضویت در یک سندیکا، داشتن شانس مساوی و تعیین حداقل دستمزد مواردی است که به لحاظ حقوقی می‌توانند مورد بحث قرار گیرند اما در مورد حق داشتن یک کار ثابت و مداوم و وجود شرایط امن و بی‌خطر محیط کار چگونه می‌توان به بحث‌های قانونی پرداخت؟ جرج جولیس رئیس اتحادیه صنایع نساجی فرانسه از یکی شدن استانداردهای اجتماعی، افزایش تدریجی دستمزدهای پرداختی برای تولید کالاهای ارزان را می‌فهمد و می‌افزاید جهت‌گیری‌ها باید صحیح باشند. در صورتی که سندیکای نساجی آلمان توفعات بیشتری دارد، آنها خواستار بالا بردن سطح استانداردهای اجتماعی در تمام زمینه‌ها یعنی داشتن حق اعتصاب، حق عضویت در سندیکا، حقوق بیکاری و تمام قوانین حمایتی موجود در غرب برای همه کارگران جهان هستند.

پیشنهاد دیگری را جین پيسان - فری رئیس انستیتو تحقیقات اقتصادی فرانسه طرح می‌کند. به نظر وی در آینده نیز تمامی کشورها قوانین اجتماعی خود را به طور مستقل تعیین می‌کنند، اما زمانی که قوانین به تصویب رسیدند طرفهای تجاری می‌توانند و این حق را دارند که خواستار آن شوند تا قوانین به طور کامل به موقع اجرا درآیند. حقیقت این است که بالا و پایین بودن سطح قوانین اجتماعی مشکل اصلی نیست بلکه اصولاً عدم وجود قوانین اجتماعی که بتوانند مورد شکایت قرار گیرند مشکل اساسی است، در صورت تصویب چنین قوانینی سندیکاها در کشورهای فقیر می‌توانند به هنگام مبارزه در جهت احقاق حقوق خود سازمان تجارت جهانی را در کنار خود داشته باشند.

با وجود همه این پیشنهادها یک امر مسلم است و آن این که هیچ تدبیری قادر نیست کشورهای صنعتی را در مقابل پی آمدهای جهانی شدن بازارها از خطرات مصون دارد و کشورهایی که صنعت و تکنولوژی خود را از کشورهای در حال توسعه و بازارهای رو به رشد جهانی مجزا می‌کنند جلوی ایجاد زمینه‌های اشتغال جدید را در آینده می‌گیرند و باعث همان چیزی می‌شوند که در جسلوگیری از آن می‌کوشیدند، یعنی یک انفجار اجتماعی.